

افسانه‌ها و آداب و رسوم ایرانیان

امیرکاوس بالا زاده

مریی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

– ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم

مردم ایران) (۲ جلد)

– محمد جعفر محبوب

– به کوشش: حسن ذوالفقاری

– نشر چشمه

– ۱۳۸۲، ۱۳۳۸ صفحه، ۱۵۰۰ نسخه، ۹۸۰۰ تومان

گوسانها و نقلها، پس از افزودن شاخ و برگهای بسیار، روایت شده و در نتیجه اغلب نسخه‌های بازمانده سرشار از اشکالات نگارشی، محتوایی و حتی فراز و فرودهای داستان‌پردازی است و این معنی کار را بر پژوهنده صاحب نظر سخت دشوار می‌سازد.

در مقاله چاپ نشده‌ای که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۶ در مورد کتاب «توب مرواری» صادق هدایت که توسط «ادیبی دروغین»^۱ تصحیح شده و در آمریکا به چاپ رسیده بوده است، در مورد تصحیح و توضیح متنهای ادبی می‌نویسد: «برای تصحیح و توضیح هر متن نخست باید آن را درست خواند. فهمیدن هر متن در گرو درست خواندن آن است و کسی که می‌خواهد کار تصحیح متنی را برعهده گیرد، باید تمام مشکلات آن متن را - بدون یک استثنا - برای خود حل کرده باشد تا کل معنی آن بر وی روشن و آشکار شود. آنگاه آنچه را که شایسته توضیح می‌داند، از رجوع به فرهنگ و دادن معنی یک واژه، یا یک جمله، تا پرده‌برداری از اسرار داستان بنویسد و به خواننده عرضه کند».^۲

و انصافاً باید گفت که وی خود نمونه بارز چنین پژوهنده‌ای است. نمونه آن را در تصحیح کتاب «امیراسلان»^۳ با مقدمه عالمانه و تحسین برانگیز آن - تصحیح «فتوت نامه سلطانی» (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران در سال ۵۰)، طریق الحقایق در سه جلد (کتاب فروشی بارانی - سال ۱۳۴۵)، ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی (انتشارات اندیشه سال ۱۳۳۷)، کلیات ایرج میرزا (انتشارات اندیشه سال ۱۳۴۱) و دیوانهای سروش اصفهانی و قانعی (انتشارات امیرکبیر سالهای ۱۳۳۹ و ۱۳۳۶) به روشنی می‌توان باز یافت.

اهمیت داستانهای عامیانه (سنتی)، که استاد سالهای زیادی از عمر خود را به مطالعه، تحقیق و تصحیح آنها اختصاص داد، در این است که بسیاری از مسائل اجتماعی و آداب و رسوم زمان در آنها بازتاب یافته است.

به عنوان نمونه در کتاب «سمک عیار»^۴ راوی داستان در مورد مردم روزگار خود می‌گوید: «و در آن عهد ماتقدم، جماعتی که پیش از ما بودند، چون عهد کردندی و سوگند خوردندی عظیم نگاه داشتندی و اگر کسی سوگند به دروغ کردی و آن عهد بشکستی، او [را] در میان خلق جای نبودی، اما در

گردآورنده می‌نویسد: «آنچه پیش رو دارید، قریب به ثلث مقالات شادروان محبوب است و اگر عمری باقی باشد، در فرصتی دیگر، بخشهای چاپ نشده را نیز به زیور طبع خواهم آراست... درباره این مجموعه گفتنی است که:

۱- از مجموع ۱۵۰ مقاله استاد، ۵۷ مقاله، که مربوط به حوزه ادب عوام بود، انتخاب و در سه بخش «کلیات»، «داستانها و افسانه‌ها» و «آداب و رسوم» سامان داده شد. بخش «داستانها و افسانه‌ها» خود سه فصل دارد: فصل اول درباره داستانهای عامیانه و شامل بررسی انواع داستانها از نظر موضوع، محتوا، ساخت، ارزش و اهمیت آنهاست.

فصل دوم به معرفی ۳۵ اثر داستانی عامیانه و چاپ شده و نشده و شرح و بسط و معرفی و دیگر ویژگیهای زبانی و ادبی هر یک اختصاص دارد. این بخش، که جنبه کتاب‌شناختی دارد، خواننده را با بخشی از حوزه ادبیات داستانی مکتوب عامیانه آشنا می‌سازد...

فصل سوم منتخبی از آثار داستانی عامیانه چون ابومسلم نامه، بوستان خیال، حمزه نامه، داستان فیروز شاه و چند داستان دیگر است که عیناً همراه با شرح و توضیح متن آمده تا نمونه‌هایی از این دست را نیز پیش رو داشته باشیم...

بدون شک این کتاب، در سیر مطالعه ادبیات عامیانه ایران، هم به سبب تقدم فضل نویسنده آن و هم به دلیل فضل تقدم در نگارش مقالات، در شمار منابع مهم و دست اول است.» (ص ۱۰)

دکتر محمد جعفر محبوب استاد دانشمند و محقق پرکار فرهنگ عامیانه مردم ایران با نگارش و خلق آثاری بی‌بدیل گامهای ارزنده‌ای در شناخت این شاخه دانش برداشته است. گرچه ادبیات عامیانه بخش‌های گوناگونی دارد که طبعاً افرادی با تخصصهای مختلف می‌توانند در این زمینه - ها اظهار نظر کنند، اما اساس کار استاد بر تحقیق در زمینه قصه‌های سنتی استوار است و اگر پیشگامی ایشان در این راه دشوار و پیچاپیچ نادیده انگاشته شود، حاصل کار بازماندگانی را که یکسره و امدار وی اند، کم رنگ و سبک مایه می‌توان ارزیابی کرد. زیرا قصه‌های سنتی از دل مردم برآمده و توسط



در هیچ یک از این داستانها،
کسی که خلاف
اصول جوانمردی و اخلاق و
شرافت رفتار می‌کند،
توفیق نمی‌یابد و قهرمانان
هرگز برای پیشرفت خویش
به حيله و تزویر و ریاکاری
و ناجوانمردی
توسل نمی‌جویند



**در بخش آداب و رسوم و آیینها مؤلف به عیاران و آیینهای عیاری،
فتوت و جوانمردی در ایران اسلامی، سخنوری، تحول نقالی و قصه‌خوانی و
تربیت قصه‌خوانان و طومارهای نقالی، شرح حال ارباب معرکه و آداب اهل سخن،
کبوتر و کبوتربازی، فضائل و مناقب خوانی تا روضه خوانی و تأثیر متأثر اروپایی و
روش‌های نمایشی آن در تعزیه می‌پردازد و مطالبی بسیار دلکش و خواندنی
به خوانندگان عرضه می‌دارد**

حاصل می‌شود، که اگر زرباشد، طعام به دست نیاید. لاجرم دانستیم که بهتر از همه چیزها زرباشد، که اگر نه زربودی، آدمی خاص و عام نبودی، پادشاه و رعیت یکی بودی. هیچ کس طاعت کسی نداشتی». (جلد پنجم، ص ۴۳۳)

همین طور در مورد آیین‌های نوروزی و رسم هدیه بردن برای پادشاهان در سمک عیار می‌خوانیم: «گفت کس بدین جای نمی‌آید، مگر هر سال روز نوروز، چون به نوروزی بنشیند شاه گورخان، آنچه به نوروزی بیاورند در شب به این جایگاه آورند». (جلد دوم، ص ۴۳۸)

دکتر محبوب در کتاب حاضر در مورد انواع داستانهای عامیانه می‌نویسد: «غالب این گونه کتابها جنبه حماسی دارند. اما قصه‌های دیگری از قبیل داستانهای عاشقانه، افسانه‌ها، سرگذشتهایی که جنبه دینی و انتقاد اجتماعی دارند نیز می‌توان در میان آنها یافت و به طور خلاصه، تمام آنها از این چند نوع بیرون نیست:

۱- داستانهایی که صرفاً زاده تخیل داستان‌سرایان است و هیچ گونه اصل و ریشه تاریخی ندارد، مانند امیرارسلان، ملک بهمن، بدیع الملک، نوش آفرین و گوهر تاج.

۲- داستانهایی که ریشه تاریخی یا حماسی دارد، اما به مرور ایام پیرایه‌ها بر آن بسته شده رنگ تاریخی خویش را از دست داده است، مانند رموز حمزه، اسکندرنامه، رستم‌نامه، حسین‌کرد.

۳- داستانهایی که قهرمانان آن بزرگان دین هستند. این گونه داستانها حاوی سرگذشتهای افسانه‌آمیز خاندان رسالت و کوشش آنها در راه اشاعه و

این روزگار که ماییم هزار سوگند بخورند، چو بر پای خاستند، فراموش کردند. عجب روزگاری است که ما در او گرفتاریم! مگر چه روزگار گشته است! ما قومی نادانیم، کم خرد، و ترس خدای در دل نباشد».

و در جای دیگر درباره اشتیاق عموم به زرو مال می‌گوید: «... سرخ کافر [گفت] ارمنشاه عقل ندارد. نمی‌داند که اساس دنیا چنین افتاده است. هیچ کس چون از مادر بزاد، چیزی با خود نیاورد. همه از جایها به دست آورند. ببرند و بزدند، ببخشند و بخورند و خود را پادشاه سازند از مال مردم، عاقلان دانند که کار عالم چنین است...». (جلد اول، ص ۲۶۱)

و نیز: «... در این گفتار بودند که سرخ ورد و آتشک برسیدند. سمک با سرخ ورد گفت: من هرگز چنین تنها نبوده‌ام، چنان که اکنون، نه یاری با من و نه غم‌گساری، نه هم‌دمی، نه رفیقی، نه مونس. لاجرم در مانده‌ام. سرخ ورد گفت: ای پهلوان، این چه سخن است که تو می‌گویی؟ یار و مونس چه باشد؟ سمک گفت: یار آن است که غم‌خواری ما کند و کار ما بسازد و ما را به مراد رساند، و آن یار غم‌خوار زار است. هیچ‌داری؟ گفت: ای پهلوان هیچ ندارم. آتشک گفت: من دارم. از آن روز باز که تو گفتی که مرد نیاید که بی‌زرباشد، من هرگز بی‌زربوده‌ام» (جلد اول، ص ۱۸۶).

و باز در جای دیگر گوید: «... هر که در جهان بهتر از زرباشد، که آنچه درستی زرباشد به ده مرد پهلوان نتواند کرد، بلکه به ده پادشاه ندانند کردن. زرباشد که در جهان کارگزاری می‌کند و عالم می‌گرداند، که اگر نه زربودی، عالم و آدمی نبودی. به دلیل آنکه پرورش آدمی از طعام است و طعام از این زرباشد».

داستانهای عامیانه از زندگی توده مردم سرچشمه می‌گیرد و به همین سبب با آن پیوندی ناگسستنی دارد؛ از این راه است که به آداب و رسوم مردم، طرز لباس پوشیدن و غذا خوردن و مهمانی و معاشرت کردن و نشست و برخاست آنها با یکدیگر، طرز تزیین خانه‌ها، آیین شهرسازی، وضع کوچه‌ها، رفتار طبقات مختلف اجتماعی با یکدیگر، ساختمان خانه‌های مردم فقیر یا اعیان، آداب ورود به خانه‌ها، لوازم جنگ و ستیز و مسائل عیاری، طرز اردوکنشی و آداب میدان‌داری، راه و رسم ایلچی فرستادن و کیفیت پذیرایی از سفیران و فرستادگان و نظایر آنها می‌توان پی برد

ترویج دین مبین اسلام است. نمونه بارز این گونه داستانها خاورنامه است که قهرمان آن امیرالمؤمنین علی (ع) است.

۴- داستانهایی که در اصل بر روی حوادث تاریخی دور می‌زند و نویسنده آن گاه به مقتضای تعصب دینی شاخ و برگی بدان افزوده و دلیری قهرمانان را بیش از آنچه بوده جلوه داده است. مانند مختارنامه که حاوی داستان نبردهای مختار بن ابوعبیده جراح ثقفی است که به خونخواهی شهیدان کربلا قیام کرد.

۵- قسمت دیگر از این گونه داستانها، سرگذشتهایی است که جنبه عاشقانه یا جنبه‌های دیگر دارد. زمینه اصلی این داستانها علاوه بر عشق عبارت است از نیکوکاری و احسان، انتقاد اجتماعی، بیان و اثبات بعضی اصول اخلاقی و جلوگیری از مفاسد. گاه نیز منظور نویسنده صرفاً بیان سرگذشت و مشغول کردن خواننده است. بعضی از این گونه کتابها، با اندک تغییر و تبدیلی از روی کتابهای قدیم، مانند «الف لیله و لیله» و «سندیادنامه» و نظایر آن نگاشته شده است. برای مثال از این گونه کتابها می‌توان هفت پیکر و بهرام گور (تحریر منشور داستانهای نظامی) و داستان حاتم طایی و دختر فرخ بازگان و چهار درویش و سلیم جواهری و دلیله محتاله و مکر زنان و دیگر کتابها را نام برد.

۶- گاه نیز اتفاق می‌افتد که جانوران باز یگر صحنه‌های داستان قرار می‌گیرند. نام قصه‌های چهل طوطی و خاله سوسکه و آقاموشه و موش و گربه را همه شنیده‌اند.

۷- بعضی اوقات نیز حدیث یا روایتی دینی منشأ داستانی قرار می‌گیرد. کتاب مختصر عاق والدین و بعضی کتابهای دیگر نمونه این گونه داستانهاست. البته شرح شهادت یاران حضرت امام حسین (ع) را که هریک در جزوه‌ای تدوین شده است، از این دسته باید مستثنی کرد.

۸- در میان داستانهای عامیانه ایرانی گاهی به آثار بزرگان و دانشمندان نیز برمی‌خوریم. مثنویهای کوتاه شیخ بهایی موسوم به «نان و حلوا» و «شیر و شکر» در میان این گونه داستانها طبع شده و انتشار یافته است. گاه نیز متأخران داستانهایی را از منابع خارجی اقتباس کرده و افسانه‌ای پرداخته‌اند، مانند عزیز و غزل اثر اشرف الدین حسینی گیلانی معروف به نسیم شمال.

بعضی از داستانهای عامیانه ایرانی (ستنی) هست که به علت داشتن جنبه‌های مختلف ممکن است آنها را در دو یا سه طبقه از طبقات بالا جای

داد و شاید بعضی دیگر را بتوان یافت که به درستی در هیچ یک از طبقاتی که نام بردیم، جایگزین نگردد. در این گونه داستانها، نفوذ دین اسلام و قدرتی که اصول دین در میان مردم داشت، به خوبی آشکار است. در تمام این داستانها، دشمنان قهرمانان، کافر و بت پرست و خارج از دین‌اند. حتی اسکندر نیز با «کافران» می‌جنگد و آنها را «مسلمان» می‌کند. یکی دیگر از وجوه اشتراک تمام این داستانها برتری انکارناپذیر اصول اخلاقی است. در هیچ یک از این داستانها، کسی که خلاف اصول جوانمردی و اخلاق و شرافت رفتار می‌کند، توفیق نمی‌یابد و قهرمانان هرگز برای پیشرفت خویش به حیله و تزویر و ریاکاری و ناجوانمردی توسل نمی‌جویند». (جلد اول، صص ۱۸-۱۱۶)

و در مورد منشأ داستانهای عامیانه می‌نویسد: «با آن که قسمت اعظم داستانهای عامیانه جنبه حماسه و اصل ایرانی دارد، اما باز می‌توان آنها را به قسمتهای گوناگون ذیل منقسم ساخت:

- ۱- قصه‌های ایرانی که زاده تخیل قصه‌گویان ایرانی است.
- ۲- داستانهایی که اصل و ریشه هندی دارد و از سنسکریت ترجمه شده است.
- ۳- قصه‌هایی که منشأ آن حماسه ملی و داستانهای دینی ایران باستان است.
- ۴- قصه‌های دینی و مذهبی.
- ۵- قصه‌هایی که منظور از آن گرفتن نتیجه اخلاقی و تربیتی و دادن اندرز و پند است.

۶- علاوه بر اینها گاهگاهی شرق شناسان نیز به منظور تفنن - یا به علل دیگر - قصه‌هایی به سبک افسانه‌های مشرق زمین انتشار داده‌اند. داستان معروف «الف النهار» - هزارروز - اثر پتی دلاکروا یکی از داستانهایی است که به تقلید هزار و یک شب تألیف شده و علت این کار مشاهده رونق و رواج و محبوبیت خارق العاده ترجمه هزار و یک شب به زبانهای اروپایی بوده است....

قصه‌های مذکور به دو گروه عظیم داستانهای منظوم و منشور تقسیم می‌شوند. بر طبق تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته است، هر افسانه منظوم، نخست تحریری به نثر داشته و شاعر آن را به نظم آورده است و کمتر اتفاق می‌افتد که شاعری خود داستانی را بسازد و از منبع تخیل خویش آن را به

اهمیت داستانهای عامیانه (سنتی)، که استاد سالهای زیادی از عمر خود را به مطالعه، تحقیق و تصحیح آنها اختصاص داد، در این است که بسیاری از مسائل اجتماعی و آداب و رسوم زمان در آنها بازتاب یافته است

در میان داستانهای عامیانه ایرانی گاهی به آثار بزرگان و دانشمندان نیز برمیخوریم. مثنویهای کوتاه شیخ بهایی موسوم به «نان و حلوا» و «شیر و شکر» در میان این گونه داستانها طبع شده و انتشار یافته است

گذشته و به سائقه همت بلند و هدف عالی و شجاعت اخلاقی و روحی کارهای نمایان کرده و برگزیده‌های زرین بر تاریخ بشری افزوده‌اند. (جلد دوم، ص ۹۵۸).

محبوب شاهنامه را مهم‌ترین کتاب درباب عیاری و آداب آن نظیر شبروی، تغییر چهره، دانستن رمز و راز گیاهان دارویی می‌داند و پس از آن به سمک عیار و سایر قصه‌های عامیانه می‌رسد. در سخنوری به آیینی می‌پردازد که در شبهای ماه رمضان بعد از افطار تا هنگام خوردن غذای سحر و خواندن نماز صبح در قهوه خانه‌ها با شکوه بسیار برگزار می‌شد و در آن درویش سلسله عجم با آویختن علامت هفده صنف به دیوارهای قهوه خانه‌ها با حریفان خود به زبان شعر یا بحر طویل گفت‌وگو می‌کرده‌اند و در آن به نعت مولای متقیان علی (ع) و ائمه اطهار می‌پرداخته‌اند. (جلد دوم، صص ۱۰۷۸-۱۰۵۳)

در تحول نقالی و قصه‌خوانی به سنت کهن داستان‌سرایی در ایران می‌پردازد و از کتاب مهم «طراز الاخبار» اثر «عبدالنبی فخرالزمانی» که در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم قمری تألیف شده سخن به میان می‌آورد و از سه سبک نقالی ایرانی، تورانی و هندی می‌گوید و اینکه نقال را چگونه تربیت می‌کرده‌اند. (جلد دوم، صص ۱۱۱۳-۱۰۷۹).

مقالات دکتر محبوب سرشار از نکات آموزنده و مطالب لطیف و خواندنی است و امید است که سایر نوشته‌های استاد نیز به زودی به زیور طبع آراسته شوند. در اینجا باید از برخی غلط‌های چاپی یاد کرد که در دو جلد کتاب راه یافته‌اند نظیر اسم «پتی دلاکروا» که «پتیس دولاکروا» (جلد اول، ص ۱۳۳) نوشته شده که با توجه به آشنایی استاد به زبان فرانسه باید غلط چاپی باشد.

پی‌نوشت:

۱- این تعبیر را دکتر حسین اسماعیلی که خود پژوهشگری نامبردار است به کاربرد، تا تفاوت داستانهای نظیر امیرارسلان، حسین کرد، حمزه نامه و ... را با قصه‌های مادر بزرگها و افسانه‌های عامیانه باز نماید.

۲- تعبیر از خود استاد است.

۳- ص ۴ نسخه دستنویس استاد که در اختیار نگارنده است.

۴- شرکت سهامی کتابهای جیبی سال ۴۰ و تجدید چاپ آن در سال ۵۶.

۵- تألیف فرامرز بن خداداد بن عبدالله الکاتب الارجانی، به تصحیح دکتر پرویز نائل خانلری، چاپ پنجم بهار ۶۹، انتشارات آگاه، جلد دوم، ص ۸۹.

زبان شعر به بیاض آورد». (جلد اول، صص ۳۳-۱۳۲)

«... یکی از نتیجه‌های مطالعه در داستانهای عامیانه، به دست آوردن اطلاعاتی در زمینه جامعه‌شناسی تاریخی ایران است. در این باب متأسفانه هیچ سندی از گذشته برای ما باقی نمانده است... داستانهای عامیانه از زندگی توده مردم سرچشمه می‌گیرد و به همین سبب با آن پیوندی ناگسستنی دارد؛ از این راه است که به آداب و رسوم مردم، طرز لباس پوشیدن و غذا خوردن و مهمانی و معاشرت کردن و نشست و برخاست آنها با یکدیگر، طرز تزئین خانه‌ها، آیین شهرسازی، وضع کوچه‌ها، رفتار طبقات مختلف اجتماعی با یکدیگر، ساختمان خانه‌های مردم فقیر یا اعیان، آداب ورود به خانه‌ها، لوازم جنگ و ستیز و مسائل عیاری، طرز اردوکنشی و آداب میدان‌داری، راه و رسم ایلچی فرستادن و کیفیت پذیرایی از سفیران و فرستادگان و نظایر آنها می‌توان پی برد». (جلد اول، صص ۴۰-۱۳۹)

دکتر محبوب در جلد نخست این کتاب به تعریف فرهنگ می‌پردازد و آن را مرکب از دو رشته معرفت یعنی دانش و هنر می‌انگارد که هر یک تقسیم‌بندیهای گوناگون دارند. در مقابل هر یک از شاخه‌های رسمی دانش و هنر، هنر و علم عوام قرار دارد. دو شاخه نخستین پیوسته رو به اعتلا دارند، حال آنکه دو شاخه عوامانه به سمت زوال و نیستی می‌روند و بر ماست که با حفظ وضبط فرهنگ عوام و جاری ساختن این رود به دریای معرفت رسمی به آن غنا و اعتباری تازه ببخشیم. (نقل به معنی از جلد اول، صص ۹-۳۵) وی در مقاله «شاهنامه و فرهنگ عامه» با اشاره به مقولات خواب و خوابگزاری و افسون و جادو در شاهنامه نتیجه می‌گیرد که این حماسه بزرگ و دریای ناپیدا کرانه، سرچشمه بسیاری از آداب و رسوم و بن مایه‌هایی است که در فرهنگ عامه و داستانهای عوام به کار رفته و شاخ و برگ‌های فراوان یافته است. (جلد اول، صص ۱۰۷-۷۷)

در جلد دوم در بخش آداب و رسوم و آیینها مؤلف به عیاران و آیینهای عیاری، فوت و جوانمردی در ایران اسلامی، سخنوری، تحول نقالی و قصه‌خوانی و تربیت قصه‌خوانان و طومارهای نقالی، شرح حال ارباب معرکه و آداب اهل سخن، کیوتر و کبوتر بازی، فضائل و مناقب خوانی تار و زخم خوانی و تأثیر تئاتر اروپایی و روش‌های نمایشی آن در تعزیه می‌پردازد و مطالبی بسیار دلکش و خواندنی به خوانندگان عرضه می‌دارد.

وی عیاران را جوانمردانی می‌داند که برای حفظ مسلک خود از جان